

نگاهی به سیر تحولات تشکل گرایی در حوزه مطبوعات در گفت‌وگو با کامبیز نوروزی؛

بزرگ‌ترین دستاورد تاریخی روزنامه‌نگاران چیست؟

سعید برآبادی؛ معروف است که روزنامه‌نگاران در بازگشایی خانه بسیاری از صنوف زحمت کشیده‌اند؛ اما خودشان هنوز نتوانسته‌اند خانه صنفی خود را بازگشایی کنند. دولت یازدهم قول بازگشایی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران را داده بود؛ اما هنوز روشن نیست که دراین‌زمینه فعالیت‌هایش چه نتیجه‌ای دربر داشته است.
بااین‌همه نمایشگاه مطبوعات که بزرگ‌ترین گردهمایی مطبوعاتی‌های کل کشور است، شاید فرصتی مغتنم باشد برای پیگیری یک مطالبه عمومی و صنفی در روزگاری که بسیاری از صنوف، سعی می‌کنند از جشن‌ها و برنامه‌های خود برای قدم‌برداشتن در راه ایجاد خانه‌های صنفی خود استفاده کنند. آیا می‌توان امیدوار بود که بازگشایی انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران، دستاورد اسمال نمایشگاه مطبوعات باشد؟
«کامبیز نوروزی»، حقوق‌دان و کارشناس حقوق رسانه، ضمن پاسخ‌گویی به این سؤال، به‌مرور تاریخچه تشکل‌گرایی در حوزه مطبوعات کشور می‌پردازد:

✎ اگر بخواهیم نگاهی به سیر فعالیت‌های تشکل‌گرایی در حوزه مطبوعات داشته باشیم، پیشینه این تمایل از چه زمانی در مطبوعات ایران دیدیم می‌شود؟

به لحاظ تاریخی بعد از رواج‌یافتن فعالیت‌های مطبوعاتی، کم‌کم شاهد گرایش روزنامه‌نگاران به فعالیت‌های صنفی هستیم؛ به‌عبارت‌دیگر از اوایل دهه اول سال‌های ۱۳۰۰ اولین تشکل‌ها دراین‌زمینه حاضر می‌شوند؛ اما چون در آن دوره عمر چنین فعالیت‌ها و چنین نهادهایی کوتاه بود، چندان نمی‌توانستیم تأثیر این حضور را ارزیابی کنیم. تا دهه ۲۰ تعداد و هیجان فعالیت‌های صنفی را در صنف مطبوعات شاهد هستیم که با بروز کودتای آمریکایی، به‌طور کامل متوقف می‌شود.

✎ بااین‌حساب آیا می‌توان گفت این دوره به لحاظ کیفی و کمی، اوج فعالیت‌های صنفی در حوزه مطبوعات ایران بوده است؟
من چنین قضاوتی ندارم. درست است که در دهه ۱۳۲۰ و هم‌زمان با گسترش مسائل سیاسی، هیجانات زیادی در حوزه فعالیت‌های صنفی مطبوعاتی به‌وجود می‌آید؛ اما چنین اموری به‌شدت تابع امر سیاسی آن روزگار هستند و اختلاط شدید به‌وجودآمده میان امر سیاسی و امر صنفی، باعث می‌شود عموم رفتارها، از مسائل سیاسی تبعیت کنند. از سوی دیگر، اگرچه شاهد تعدد تشکل‌های صنفی در حوزه مطبوعات هستیم؛ اما اعضای‌شان کم است و بیشتر گرایش سیاسی دارند؛ بنابراین نمی‌توان از آن دوره به عنوان یک قله در حوزه فعالیت‌های صنفی مطبوعات نام برد.

✎ فضای کودتا و شرایط ایران بعد از کودتا چه تأثیری بر فعالیت‌های صنفی این حوزه می‌گذارد؟

در پی کودتای ۲۸ مرداد، فعالیت‌های مطبوعاتی با تهدید و ارباب همراه می‌شود، سرکوب‌های خونیانی اتفاق می‌افتد و تقریباً تمام فضای مطبوعاتی بسته کشور، بسته‌تر باقی می‌ماند. مطبوعات در این دوره به همان دو روزنامه کیهان و اطلاعات که متصل به دو شاخه سیاسی اصلی حکومت هستند، محدود می‌ماند. درست است که کم‌کم شاهد تولد مطبوعات ادبی درخوراعتنایی در این دوره هستیم؛ اما به‌طور دقیق، چیزی به نام آزادی مطبوعات وجود ندارد و به جای آن، روزنامه‌نگاران با انواع مدل‌های سرکوب، مواجه هستند. این وضعیت با فرازوشیب‌های فراوان از کودتا آغاز می‌شود تا دهه ۵۰ که رژیم به بن‌بست می‌خورد و برای توجیه افکار عمومی، حرکت‌های بعضاً ضعیفی را برای بازکردن فضای مطبوعات از خود نشان می‌دهد. در دوره‌ای مختصر و کوتاه، دو روزنامه به روزنامه‌های سنتی کشور اضافه می‌شود و افرادی که تا پیش‌ازآن امکان تأسیس نشریه نداشتند، دست‌شان بازتر می‌شود. به‌همین‌ترتیب، باز هم تشکل‌های صنفی از شکل‌گیری محروم می‌مانند؛ چراکه براساس یک اصل اثبات‌شده، امکان ایجاد تشکل‌های صنفی، پیش از هرچیز به وجود و میزان گسترش خود صنف وابسته است. زمانی که آزادی وجود ندارد و فعالیت مطبوعاتی کند و کنترل‌شده انجام می‌شود، دیگر صنف به معنای اخص کلمه تحقق‌یافتنی نیست. در این دوره، تعداد روزنامه‌نگاران حرفه‌ای کشور بسیار محدود و تحت مضیقه‌های خاص هستند؛ بنابراین امکان ایجاد یک تشکل صنفی معتبر و درخوراعتنا وجود ندارد.

✎ با این‌حساب، چه زمانی شاهد اولین تشکل منسجم در حوزه مسالن صنفی مطبوعات هستیم؟

اولین نمونه تشکل‌های صنفی روزنامه‌نگاران با نام «سندیکای

روزنامه‌نگاران» در دهه ۵۰ شکل می‌گیرد؛ اما این سندیکا همان‌طورکه گفتم، تحت سرکوب و نظارت شدید، قرار دارد و به دلیل مستقل‌نبودن مطبوعات نمی‌تواند چندان عرض‌اندام داشته و پر و بال یابد. اگرچه در دوران اوج انقلاب، فراخوان همین سندیکا به اعتصاب روزنامه‌نگاران ایرانی می‌انجامد که تأثیرش بر روند انقلاب اسلامی انکارنشدنی است؛ اما به‌طور کلی، سرانجام این سندیکا در همان سال‌های پیش از انقلاب، پروبال گشودنی اندک است؛ چراکه اساسا روزنامه‌نگاری و مطبوعات مستقل و قدرقدرتی شکل نگرفته که به تبع آن بخواهیم صنفی قدرتمند داشته باشیم.

✎ آیا فعالیت‌های این سندیکا در روزهای پس از انقلاب اسلامی هم استمرار پیدا می‌کند؟

در سال‌های پس از انقلاب، جنگ تحمیلی شرایطی خاص را ایجاد می‌کند که بیشتر ناشی از محدودیت‌هایی است که خواسته و ناخواسته جنگ به فضای رسانه‌های کشور وارد می‌کند. در این دوران، شاهد افول تشکل‌گرایی صنفی در روزنامه‌نگاری هستیم تا با پایان‌یافتن جنگ و بی‌آترشدن بعضی از ضروریات مقتضی آن زمان، فضای مطبوعات شاهد توسعه‌ای تازه باشد. در این دوره، کم‌کم روزنامه‌های مهم و مجلات متعددی وارد عرصه اطلاع‌رسانی کشور می‌شوند و روزنامه‌نگاری توسعه پیدا می‌کند؛

اولین نمونه تشکل‌های صنفی روزنامه‌نگاران با نام «سندیکای روزنامه‌نگاران» در دهه ۵۰ شکل می‌گیرد؛ اما این سندیکا همان‌طورکه گفتم، تحت سرکوب و نظارت شدید، قرار دارد و به دلیل مستقل‌نبودن مطبوعات نمی‌تواند چندان عرض‌اندام داشته و پر و بال یابد. اگرچه در دوران اوج انقلاب، فراخوان همین سندیکا به اعتصاب روزنامه‌نگاران ایرانی می‌انجامد که تأثیرش بر روند انقلاب اسلامی انکارنشدنی است

روزنامه‌هایی مانند همشهری، سلام و ایران به پیشخوان مطبوعات راه می‌یابند و مجله‌های مختلفی منتشر می‌شوند. هم‌زمان با تنوع فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی در بخش‌های مختلف کشور، مطبوعات مستقل هم آرام‌آرام با به عرصه می‌گذارند و کنار هم قرارگرفتن همین عوامل باعث می‌شود صنف روزنامه‌نگاری گسترش پیدا کرده و هویت روزنامه‌نگاری در این صنف تعمیق پیدا کند. مجموعه این عوامل، سبب می‌شود در سال ۱۳۷۶، انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تشکیل شود؛ البته ابتدا بر اساس یک اشتباه این انجمن از سوی مدیران مسئول ایجاد شد؛ اما خیلی زود، به شکل کارگري خود تغییر وضعیت

نگاهی به زندگی کارگران بعد از برجام

صنعت و معاش کارگران، آینده آنها از گذشته هشت‌ساله‌شان بهتر خواهد بود؛ «صنعت ما در سال‌های گذشته، شرایط گلخانه‌ای را تجربه می‌کرد و اگر حالا رقیب قدرقدرتی را پیش‌رو داشته باشد، جدی‌ترین آسیب این رقابت به قشر کارگر وارد خواهد شد». با این حساب خالقی معتقد است که در یک آینه کلی، تصویر آینده پس از توافق کارگران، وابستگی مستقیمی به نوع برخورد دولت‌مردان با مسئله صنعت و چالش‌های اقتصادی دارد.

آیا درآمد کارگران بیشتر خواهد شد؟

مخالفان توافق معتقدند شعارهای دولت در زمینه بهبود شرایط اقتصادی خصوصاً در بخش کارگری محال است که با اجرای برجام عملیاتی شود. این در حالی است که کارگران هم نگران موضوعاتی از این دست هستند، اما هنوز جزء حامیان اصلی دولت تدبیر و امید به حساب می‌آیند. خالقی برای ترسیم شرایط اقتصادی کارگران و میزان درآمدشان، یک مدل عددی را توصیف می‌کند: «فرض کنیم که از سال ۹۵ در شرایط اجرای برجام هستیم و حالا می‌خواهیم ببینیم که آیا درآمد کارگران و قدرت خرید آنها اضافه خواهد شد یا نه». او می‌گوید که اگر آن‌طور که دولت وعده داده تورم در محدوده ۱۱ تا ۱۵ درصدی جا خوش کند و دست‌مزدها به اندازه تورم، افزایش پیدا کنند، قدرت خرید جامعه ثابت خواهد ماند. در این وضعیت او شرایط ویژه‌ای را برای جامعه کارگری تصور نمی‌کند: «اگر سیاست‌های رونق اقتصادی جواب بدهد، یعنی شاهد افزایش درآمد کل باشیم، همه سر کار بروند و مزد بگیرند، شاهد افزایش گردش پول خواهیم بود که ممکن است روی تورم تأثیر بگذارد». بنابراین این سؤال به ذهن می‌رسد که آیا تشکل‌های صنفی در حوزه کارگری، ضمن پذیرفتن و استقبال از حل مشکلات هسته‌ای کشور، درباره تبعات احتمالی اجرای برجام هشدارهایی را مطرح کرده‌اند یا نه؟ آیا اصولاً تشکل‌های صنفی در این حوزه می‌توانند در این زمینه همچون فائوس دریایی عمل کنند و اخطارهای لازم را از قبل نسبت به آینده بدهند؟ پاسخ این کارشناس اقتصادی پاسخ تازه‌ای نیست، این پاسخی است که سال‌ها به چنین مسائلی داده می‌شود؛ پاسخی سرراست، اما نه چندان قاطع: «تشکل‌های صنفی کارگری و کارفرمایی در ایران این‌طور نیستند که در حوزه سیاست وارد عمل شوند یا به قول معروف تنه به

زاویه

روایت‌های شخصی

نجات سرمایه‌زندگی باشکستن شیشه

هما نصرتی؛ شعبه کوچک مؤسسه مالی و اعتباری شلوغ‌تر از همیشه است؛ کارمندان کتو شلوارِی‌اش از پشت میزها بیرون آمده‌اند و سعی می‌کنند مرد را آرام کنند. مرد که خود را مال‌باخته می‌بیند، گوشش به این حرف‌ها بدهکار نیست و مدام داد می‌زند: «پول‌مرو می‌خوام! پول خودم‌رو! ادعای زیادی نیست!» چندروزی است که به اشتباه یا درست، اخباری مبنی‌بر مشکلات مالی یکی دیگر از مؤسسات مالی و اعتباری مطرح شده و سپرده‌گذاران هجوم آورده‌اند به شعبه‌های این مؤسسه تا پولشان را از حساب‌ها بردارند.

تجربه این روزها، کار آنها را تأیید می‌کند؛ باید هرچه‌زودتر سرمایه زندگی‌شان را نجات بدهند، مگر می‌شود فراموش کرد اتفاقات تلخی را که برای سرمایه‌گذاران مؤسسات مالی دیگر افتاده؛ سکنه، تشنج، مشکلات عصبی و روحی و دست‌آخر راضی‌شدن به این واقعیت که سرمایه‌میلاردی خود را به‌صورت اقساطی بازپس بگیرند! مرد کوتاه‌اندنی نیست؛ مدام داد می‌کشد و وقتی می‌فهمد که دادکشیدن فایده‌ای ندارد، روی صندلی مؤسسه می‌نشیند، قلیش را می‌گیرد و های‌های گریه می‌کند. یکی از کارمندان به او آرامش می‌دهد که برای مؤسسه هیچ اتفاق بدی نیفتاده و پولش در حساب شخصی خودش و جای امنی است! می‌گوید که می‌تواند برود خانه و خیالش راحت باشد که باز برای سرمایه‌میلاردیش، سودی در حدود بیست‌وهفت، هشت درصد در راه است! بیست‌وهفت، هشت درصد! یعنی همان عرف بازار؟ یعنی همان بهره‌ر مرد زیر بار نمی‌رود و مرشش یک لنگ دارد: «آقا نخواستم! پول خودمه، مختارم!»

کار که به اینجا می‌کشد، یکی از کارمندان می‌آید جلو، لیوانی آب سرد به دست مرد می‌دهد: «چقدر پول اینجا داشتید؟» مرد به عددی اشاره می‌کند که این گزارش نمی‌تواند صفرهای آن را بشمارد: «۱۵میلیاردتومن!» کارمند قدمی به عقب برمی‌دارد و می‌گوید: «یعنی فکر می‌کنید تو کل ایران، یک شعبه بانک پیدا میشه که همین الان تو صندوقش این‌قدر پول باشه؟» مرد داد می‌کشد: «به من مربوط نیست، پول‌م‌رو تو همین شعبه گذاشتم، جرمه؟ می‌خوام ورش دارم؟» یک حساب‌سراگشتی به گزارشگر ییادآوری می‌کند که مرد ماهی ۴۰۵ میلیون‌تومان از همین شعبه، سود سرمایه‌گذاری‌اش را می‌گرفته؛ یعنی هر ماه می‌توانسته یک خانه صدمتری به قرار متری چهار میلیون تومان بخرد یا هر ماه پولش را بدهد و ۲۰ تا پراید صفر بخرد و انبار کند! با چنین سرمایه‌ای، چرا امروز این‌طور دست‌وپایش از انتشار یک خبر به لرزه افتاده

یکی از کارمندان در گوش مرد می‌گوید که هیچ بانکی این‌همه پول ندارد، سرمایه‌های شما را که در جیب خود نمی‌گذاریم؛ با آن ملک و کارخانه می‌خریم یا در یک تجارت تازه سرمایه‌گذاری می‌کنیم. اما چه تجارتی می‌تواند ماهی ۴۰۵ میلیون تومان سود خالص به مرد بدهد؟ این سؤال‌ها تمام‌نشدنی است؛ نه برای مرد که می‌خواهد از مؤسسه شکایت کند و نه برای مؤسسه که نگران آینده کار‌اش است. این سؤال‌ها برای مردم هم بی‌پاسخ است؛ مردمی که میان تورم خانه و موجودی تصمیمات مهمی مثل اجرای برجام، توجیه به بخش‌های فراوانی مواجه بوده‌اند: «هر تصمیمی که بتواند به رونق کسب‌وکار کارگران منجر شود، آتارش به جامعه برخواهد گشت. دولت می‌تواند در این زمینه راهگشای خوبی باشد؟ چراکه به نظر من در روزهای بعد از اجرای برجام، بهترین کمکی که می‌تواند به جامعه کارگری ایران بکند، طراحی فرایندهایی است که به بهبود شرایط کار منجر شود؛ مثل افزایش بهره‌وری. در این صورت طرح مذب بر مبنای بهره‌وری، اثر خود را مستقیم به جامعه هدف‌اش می‌رساند و می‌تواند تحول بنیادینی در زمینه کار و جامعه کارگری ایجاد کند». او همچنین معتقد است در این بزنگاه، شاید دولت نتواند به طور مستقیم حمایت بیشتری از کارگران کند، اما می‌تواند با افزایش خدمات رفاهی و اجتماعی، زمینه افزایش توان جامعه کارگری را فراهم کند.

تنه‌هاست این فعال حوزه اقتصادی بلکه بسیاری از فعالان جوامع کارگری معتقدند اجرای درست برجام می‌تواند شرایط زندگی خصوصاً برای اقشار پایین‌دست جامعه را راحت‌تر کند. او نیز معتقد است اصالت وجودی تصمیمات مهمی مثل اجرای برجام، توجیه به بخش‌های فراوانی مواجه بوده‌اند: «هر تصمیمی که بتواند به رونق کسب‌وکار کارگران منجر شود، آتارش به جامعه برخواهد گشت. دولت می‌تواند در این زمینه راهگشای خوبی باشد؟ چراکه به نظر من در روزهای بعد از اجرای برجام، بهترین کمکی که می‌تواند به جامعه کارگری ایران بکند، طراحی فرایندهایی است که به بهبود شرایط کار منجر شود؛ مثل افزایش بهره‌وری. در این صورت طرح مذب بر مبنای بهره‌وری، اثر خود را مستقیم به جامعه هدف‌اش می‌رساند و می‌تواند تحول بنیادینی در زمینه کار و جامعه کارگری ایجاد کند». او همچنین معتقد است در این بزنگاه، شاید دولت نتواند به طور مستقیم حمایت بیشتری از کارگران کند، اما می‌تواند با افزایش خدمات رفاهی و اجتماعی، زمینه افزایش توان جامعه کارگری را فراهم کند.

تجربه دیگران

به بهانه بیست‌ویکمین نمایشگاه مطبوعات حضور مطبوعات ایرانی در افغانستان

اختر محمد ماکویی

از آغاز روزنامه‌نگاری در افغانستان به معنی واقعی کلمه، صدسال‌اندی می‌گذرد. طی این مدت تحت شرایط گوناگون اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، این حرفه راه پریچ‌وخمی را پیموده تا به جایگاه امروز خود برسد. نام مطبوعات در افغانستان با نام «شیرعلی‌خان» گره خورده است؛ کسی که با مشورت‌های «سیدجمال‌الدین اسدآبادی» توانست اولین نشریه افغانستان را تحت نام «شمس‌النهار» (از این نشریه فقط ۴۸ شماره به چاپ رسید) در سال ۱۸۷۲ میلادی به چاپ برساند. محمود طرزی (پدر مطبوعات افغانستان و همین‌طور پدر خانم امان‌الله‌خان؛ شاه‌ی که توانست استقلال افغانستان را از بریتانیا بگیرد) چاپ نشریه سراج‌الاخبر (این نشریه پس از نشریه شمس‌النهار دومین نشریه تاریخ افغانستان است که در سال ۱۹۱۱ میلادی به وسیله محمود طرزی منتشر شد) را از اصلی‌ترین کارهای اصلاحی خود در عرصه فرهنگ و مطبوعات قرار داد و مصرانه پیگیر چاپ این نشریه در کابل و توزیع آن در ولایات مختلف کشور شد. او پس از چاپ هر شماره از سراج‌الاخبر، چند شماره از آن را برای فرهنگیان هرات و ولایات دیگر می‌فرستاد. از آن هنگام به‌بعد بسیاری از نشریاتی که در کابل منتشر می‌شدند، از طریق آمریت مطبوعات وقت، برای فرهنگیان این ولایات ارسال می‌شدند. **چگونگی وضعیت مطبوعات در دهه دموکراسی**

۱۰ سال آخر سلطنت محمد ظاهر شاه، آخرین شاه افغانستان،

مشهور به دهه دموکراسی است. بنا بر نوشته کتاب «سیر ژورنالیسم در افغانستان»، این دوره که پنج‌نفر خارج از خانواده سلطنتی

به صدارت رسیدند، یکی از درخشان‌ترین دوره‌های شکوفایی

مطبوعات افغانستان است. در این دوره علاوه بر نشریه‌های دولتی

در مرکز و ولایات، بیش از ۳۰ نشریه غیردولتی در شهر کابل به چاپ

می‌رسیدند. نشریه‌های این دوره را می‌توان به گونه‌های مطبوعات

دولتی، حزبی و آزاد تقسیم‌بندی کرد.

ورود نشریات ایرانی

برخی از نشریاتی که از کابل و سایر ولایات کشور به هرات ارسال می‌شدند، عبارت بودند از؛ سراج‌الاخبر، ارشاد نسوان، افغان، عرفان، افغانستان، سالنامه کابل، آریانا، انیس، ترجمان، امان افغان، سیستان و... . این مجلات نخست به آدرس آمریت مطبوعات ولایت-ریاست اطلاعات و فرهنگ کنونی- ارسال و از طریق کتاب‌فروشی‌ها در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گرفت.

روند ارسال نشریات مرکز و سایر ولایات کشور برای سال‌های متمادی ادامه پیدا کرد و طی سالیان اخیر نیز یک تعداد نشریات فعال در پایتخت کشور ازجمله هفته‌نامه کابل، زنبیل غم، کلید، مرسل، انصاف، زن و... در سطح ولایت هرات و دیگر ولایات کشور توزیع شده‌اند. اما نخستین نشریات کشور که اقبال چاپ هم‌زمان در شهر هرات را یافتند، عبارت‌اند از: روزنامه‌های پیمان، هشت صبح و ماندگار که این روال از سال ۱۳۸۹خورشیدی همچنان ادامه دارد. از فعالیت‌های مؤثر دیگر که باید از آن حتما یاد کرد، تبادل



محصولات فرهنگی و مطبوعاتی اهل قلم ولایت هرات با فرهنگیان جمهوری اسلامی ایران و ورود مجلات ایرانی به هرات از دهه ۱۳۲۰ شمسی و در مقابل ارسال روزنامه اتفاق اسلام و مجلات هرات، ملدی و مهری به آن کشور بود.

دراین‌میان «حاج سیدهاشم کوریل» و بعد از آن پیرش «حاج سیدکاظم امیدوار» را که در منطقه «شهر نو» هرات، کتاب‌فروشی‌ای به همین نام تأسیس کرده بود، می‌توان نخستین واردکننده نشریات خارجی در هرات و پیونده‌دهنده اهل قلم دو کشور ایران و افغانستان دانست. آنها در هرماء به‌طور منظم نشریات پرمخاطب ایرانی از قبیل: اطلاعات هفتگی، جنگ آشفته، زن روز، سخن، یغما، خواندنی‌ها تهران مصور، جهان، کیهان ورزشی، دنیای ورزش و... را وارد شهر هرات و با فایده اندک، اقدام به فروش آنها می‌کردند. در همان سال‌هایی که جریده اتفاق اسلام و مجله هرات به‌طور منظم انتشار می‌یافت، ورود دیگر مجلات کشور و همچنان مجلات ایرانی به بهای ارزان که بخش عمده صفحات آنها را مطالب متنوع خواندنی‌ها و عکس‌های گوناگون تشکیل می‌داد، بر خوانندگان علاقه‌مند به مطبوعات، تأثیر نهاد و از عامل‌های مؤثر بر رشد و علاقه‌مندی به فعالیت‌های مطبوعاتی در این ولایت بود.

در سال‌های اخیر نیز که کتاب‌فروشی امیدوار دیگر فعالیت ندارد، کتاب‌فروشی این‌عربی‌با واردکردن برخی از نشریات اطلاعات عمومی و عامه‌پسند خارجی، به نحوی توانسته جایگاه کتاب‌فروشی امیدوار را پر کند. در شهپور امسال دو کشور ایران و افغانستان روی انتشار یک نشریه مشترک در زمینه مردم‌شناسی توافق کردند. به گزارش روابطعمومی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، علیرضا حسن‌زاده، رئیس پژوهشکده مردم‌شناسی، در حاشیه این اجلاس گفت: «مشتراکات فرهنگی ایران و افغانستان می‌تواند به همکاری‌های پژوهشی در حوزه‌های مردم‌شناسی ازجمله انتشار نشریه مردم‌شناسی ایران و افغانستان منجر شود». در اقدامی دیگر نیز می‌توان به منتشرشدن ۱۰هزار نسخه از روزنامه «شرق» در شهرهای مختلف افغانستان اشاره کرد.